

ارز خردمندانه!



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

سعدی می‌فرماید: مرد خردمند و هنرپیشه را، عمر دو بایست در این روزگار، تا به یکی تجربهٔ اموختن، با دگری تجربه بستن به کار. درحقیقت این بیان ادبی و مشروح حدیثی است که می‌گوید عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. سال‌هاست کشمکش میان نرخ ارز و بانک مرکزی هست و بانک مرکزی به خیال خود و بدون نگاه به تجربه‌های مکرر و پیوسته به جنگ نرخ ارز رفته و هر بار مغلوب و دست از پا درازتر بازگشته است، زیرا همانند پهلوان‌پنبه‌ها خود را صرفاً عامل تعیین‌کننده نرخ ارز به شمار می‌آورد و از جیب پرفوت ملت، خون اقتصادی آنها را روانه بازار می‌کند و هربار که رئیسِ می‌رود و دیگری می‌آید، این دیگری قبلی را به سوءِ عمل متهم می‌کند یا حداکثر سکوت پیشه می‌سازد ولی همان کار رئیس قبلی را دنبال می‌کند. بانک مرکزی همواره فکر کرده و می‌کند - و شاهد آن‌هم اظهارات رئیس محترم بانک مرکزی در سیمای جمهوری اسلامی- که می‌تواند با مداخله در بازار ارز قیمت ارز را ثابت نگه دارد یا به عبارت مبهم معمول کارگزاران حکومتی آن را تعدیل کند اما نتیجه همه مداخلات ارزی چنین بوده که حسب گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ۱۰ سال گذشته (از سال ۱۴۰۳ به قبل) مبلغ ۲۸۰ میلیارد دلار سرمایه (ثروت) کشور به خارج صادر شده است. البته این هم نوعی صادرات است با این تفاوت که سرنا از سرگشاد آن نواخته شده؛ یعنی صادرات نوعا ارز می‌آورد ولی این نوع صادرات فقط ارز صادر می‌کند.

حتی آدم‌هایی مثل دکتر همتی و کارشناس بانک مرکزی به‌خوبی و بهتر از هر کس می‌دانند که نرخ ارز در کشور به‌ضرب‌های متعددی وابسته است و البته بسیاری از آنها در اختیار بانک مرکزی نیست، ولی بانک مرکزی که عهده‌دار حفاظت و صیانت از ارز کشور است در مقابل فشارهای اجتماعی و سیاسی ناشی از افزایش نرخ ارز به جای آنکه در صیانت از ارز کشور مسائل را به صورت محکم و مستدل برای مسئولین حکمرانی بازگو کند، برای التیام اندیشه آنان فورا دست به جیب می‌شود و به قول معروف در بازار، ارزبازی می‌کند یا به تبلیغ

و به ناراستی اعلام ارزیابی می‌کند.

حکمرانی هم به جای مسدودکردن سوراخ‌های خروج ارز از حرکت بانک مرکزی خوشحال می‌شود در حالی که ضعف حاکمیتی است که موجب خروج ارز و گرم‌شدن بازار ارز می‌شود. شاید بتوان نکاتی را برشمرد که مستقیما بر بازار ارز تأثیر می‌گذارد و صدالبته این احصا کامل نیست و اقتصاددانان خبره بیشتر آگاه هستند. به نظر می‌رسد نبود امید به آینده و تیره‌دیدن سرنوشت خانواده‌ها در کشور عامل اصلی خروج سرمایه باشد و این امری پنهان نیست. سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهایی شبیه امارات، ترکیه، آمریکا، انگلستان، کانادا و گرجستان از سوی ایرانی‌ها با ارزی است که از کشور از طریق صرافی‌ها یا هر طریق دیگر صادر می‌شود. این ارزها یعنی تبدیل هزاران میلیارد ریال به دلار نوعا از کف بازار جمع‌آوری و تبدیل می‌شود. آیا بانک مرکزی به حکمرانی این را می‌گوید یا فکر می‌کند با سکوت مسئله حل می‌شود؟ واردات ۲۰ میلیارد دلار قاچاق کالا از مرزهای بی‌دروپیکر به نام کوله‌پری، مناقق آزاد مرزی، تانجلی (و البته کل بار لنج‌ها) تأثیر مستقیمی به بازار ارز دارد. حسب اعلام آقای سعید لیلار در برنامه «به وقت ایران» سالانه ۱۲ میلیارد دلار صرف مسافرت می‌شود و توجه شود که تازه ایران در تحریم و محاصره اقتصادی است و در معرض تجاوز نظامی است. آن وقت در سال گذشته ۱/۵ میلیارد دلار واردات خودرو که بیشتر آنها لوکس است، داشته‌ایم و فقط ۱۵۰ میلیون دلار وسایط نقلیه عمومی مانند اتوبوس وارد کرده‌ایم و آن‌وقت گله از مصرف زیاد بنزین و واردات آن و شعار کمدی سه‌شنبه‌های بی‌خودرو و استفاده از وسایط نقلیه عمومی را می‌دهیم. این همه شلختگی اقتصادی و عدم اشراف و کنترل و نظارت بر اقتصاد واقعا باعث شرمندگی است واین در حالی است که مثلا محور مقاومت هستیم و دشمنان گرگ‌صفت هم به ما تجاوز کرده‌اند و هم دائم شمشیر دمکوکس جنگ ویرانی و نابودی را می‌دهیم. سر ما قرار داده‌اند. جناب آقای بانک مرکزی: مردم حرف‌های شما را قبول ندارند و اگر هم واقعا نیت داشته باشید که ارز ندهید و فقط فضای مثلا فرهنگی ایجاد کنید، کسی برایتان تره خرد نمی‌کند و فقط می‌ماند عدم برخورد شما با واقعیت و افزایش دائمی نرخ ارز. خود خوب می‌دانید هر چه ارز

به بازار تزریق کنید جذب و صادر می‌شود و همچنان مسئله دارو، مایحتاج عمومی و… در کشور ایجاد می‌شود.

پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵
۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۵ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۰۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:

سرطان ریه پاپ تأیید شد • جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست: ابراهیم ایوبی • جدایی رونالدو از عربستان؟ • گروه مرگ در انتظار حسن یزدانی

«شرق» بین خطوط تناقض‌گویی‌های اخیر ترامپ را واکاوی می‌کند؛ از پشیمانیِ زیاده‌روی در ترورها تا تهدید تازه علیه ایران

بازی ندامت



ممنوعیت حجاب در مدارس، شهروندان جمهوری آذربایجان را به خیابان‌ها کشاند

اتحاد شکننده اردوغان و علی‌اف

یادداشت

طرح «تورم صفر» شهردار

تورم به کجا می‌رود؟



ایوب‌الفضل کرمایی

اجتماعی) در کدام قیمت، درآمد، دارایی یا ترازنامه جذب می‌شود و چه کسی هزینه تثبیت قیمت را می‌پردازد؟

در افسانه «گره گوردی»، مسئله‌ای پیش‌روی اسکندر مقدونی قرار گرفت، بدین‌صورت که هر کس می‌توانست «گره کور گوردی» را بگشاید، مطابق پیشگویی‌ها به فرمانروایی آسیا دست می‌یافت. اسکندر اما به جای گشودن گره، آن را برید. در ماجرای «تورم صفر» نیز گویی گره کور تورم ایران که اقتصاددانان سال‌ها برای گشودنش نظریه‌های بی‌حاصل پرداخته‌اند، با یک حرکت بریده شده است: به جای آنکه روابطی که قیمت‌ها را شکل می‌دهند درگروَن شوند، خود قیمت‌ها از بیان آن روابط منع می‌شوند. اما آنچه از قیمت حذف می‌شود، لزوماً از اقتصاد حذف نشده است. اگر ارزش‌ها، هزینه‌ها، درآمدها و مطالبات پولی همچنان در حال تغییر باشند، تضاد میان آنها باید در جایی دیگر خود را نشان دهد: در کاهش سهم یک گروه، در انتقال درآمد

یادداشت

بازخوانی واقع‌گرایی در پاستور

تبارشناسی موانع و بازتعریف شجاعت اجرایی



امیرعباس‌میرزاخانی

حضور مسعود پزشکیان در آیین آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها در دانشگاه شهید بهشتی و طرح

گزاره‌هایی چون «آیا من مقصرم که با چنین وضعیتی روبه‌رو شده‌ام؟ در این شرایط باید چه کار کنم؟»، در نگاه نخست شاید برداشت بخشی از جامعه، به «استیصال» یا «توجیه ناکامی‌ها» تعبیر شود؛ اما بازخوانی دقیق و منصفانه این رخداد در بستر واقعیت‌های میدانی حکمرانی، دلالت بر رویکردی کاملاً متفاوت دارد؛ گذار از پرده‌پوشی و بی‌پولیسم به «شفافیت ساختاری و بازنمایی عریان واقعیت‌های میدانی اجرا».

پزشکیان نه در مقام فرافکتی، بلکه در تالار نخبگان کشور ایستاد تا بدون روتوش‌های مرسوم

سیاسی، مختصات دقیق میدانی را ترسیم کند که دولت در آن در حال نبرد با بحران‌هاست. واقعیت آن است که دولت چهاردهم با اشراف کامل رئیس‌جمهور به موانع اجرایی و ساختارهای صلب بوروکراتیک کار خود را آغاز کرد، اما از همان روز نخست استقرار، با رنج‌بری‌های بی‌سابقه از تکرانه‌های برون‌زا و ابربحران‌های هم‌افزا روبه‌رو شد؛ آزمونی تاریخی که تاب‌آوری هر دولتی را می‌سنجد و مواجهه با آن، پیش از هر چیز نیازمند درک متقابل دولت و نخبگان از زمین بازی است. در این یادداشت می‌کوشم تا ابعاد این رویارویی واقع‌گرایانه را در پنج محور ساختاری تحلیل کنم:

۱. عبور از بی‌پولیسم: صورت‌بندی دقیق موانع به‌جای توجیه

آنچه در تالار دانشگاه شهید بهشتی تهران بیان شد، قرار از مسئولیت نبود؛ بلکه شجاعت پایان‌دادن به پنهان‌کاری‌های تاریخی دستگاه اجرا بود.

- روایت صادقانه تراز‌آری: دهه‌هاست که سنت مرسوم دولت‌ها در ایران، پنهان‌کردن عمق بحران‌ها پشت وعده‌های فاقد پشتوانه بوده است. پزشکیان برخلاف اسلاف خود، از توهم «حل کوتاه‌مدت ابرچالش‌ها» عبور کرده و صورت‌مسئله را همان‌گونه که هست، بدون لفاظی روی میز دانشگاه گذاشت. - مشارکت‌جویی از نخبگان: پرسش «چه باید کرد؟»، اعلام ناتوانی یا بن‌بست نیست؛ بلکه به رسمیت شناختن

شرق

به یاد مهرجویی و تقوایی

روزگار غریبی است

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از آدم‌هایی که در میان اضطراب و ناامیدی، فرصت گفت‌وگو و امکان دریافت حمایت روانی را از دست می‌دهند

زیر بار رنج‌های نادیده

پیشرفت در روند پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا

وتوی مجارستان علیه کی‌یف لغو شد

تبعات جنگ و تحریم‌های گسترده هوایی بر تیم‌های باشگاهی ایران

فوتبال در جاده سیاست

کالبدشکافی آیین‌نامه نیروگاه‌های تجدیدپذیر روستایی؛ پایان «حرف‌رانی» یا بازتولید «متافیزیک انرژی»؟

آزمون پاسخ‌گویی دولت

صندوق جهانی پول درباره شعله‌ورشدن جنگ یمن و آسیب به زیرساخت‌های انرژی و اقتصاد جهان هشدار داد؛

نفت، نگران گسترش جنگ

انتقادات‌ها به سفر وزیر خارجه آمریکا به یونان

یادداشتی از محمود فاضلی

یادداشت

در حزن و اندوه دورافتادگی



ترانه بلدا

معمار و شهرساز

شنبه صبح از سفر خوی بازگشتم. با احساسی دوگانه: از یک سو، خوشحالی از رویداد باشکوه افتتاحیه بارگاه شمس تبریزی، که به همت وزارت میراث فرهنگی اسامال ساختمان‌ش به پایان رسید و قطعا در جلب نظر ایران‌دوستان و گردشگران در سطح ملی و بین‌المللی به آن خطه سرسبز کشور مان مفید خواهد افتاد؛ و از سوی دیگر حزن و اندوهی عمیق که پس از دیدن گنج‌های نهان و رو به تخریب، ماکو وجودم را فرا گرفت و ناگهان فکری بر ذهنم مستولی شد که شاید این بلا دارد بر ما. بر بسیاری از شهرهای دیگرمان هم می‌آید و ما به‌زودی تعداد زیادی از بناهای تاریخی مرمت‌نشده ولی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی‌مان را از دست می‌دهیم. بناهایی که شناسنامه‌های شهرهای تاریخی ما هستند. اما ماکو، شهری مرزی در شمال استان آذربایجان غربی است که بین دو دیواره کوه سنگی قرار گرفته است... درست واقع در نوک گوش غربی کره ایران، که آتشفشان اسطوره‌ای آراتار از آنجا پیداست. شهری حیرت‌انگیز، هم به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی و تاریخی، و برزخ‌بودم را فرا گرفت و ناگهان سال‌تازه به تاریخ و داشته‌های تاریخی و مکان‌های جذاب و دارای ثقل و ارزش واقعی است توجه می‌کنند. باورکردنی نبود این تعداد بنای تاریخی ارزشمند قاجاری، همه در کنار هم (همه با سبک اشرافی مشابه کاخ گلستان یا دیگر کاخ‌های موجود دوره قاجار)، ساخته‌شده با مصالح محلی و همه تکیه‌داده بر دامنه پرشیب تیغه کوهی که آثار قلعه کهن ماکو بر بالای آن هنوز باقی است.

۴۳۰ ادامه‌در صفحه ۵

۴۳۰ ادامه‌در صفحه ۴